

## ۷فراز زندگی حضرت زهرا(س)

نمایش «فاطمه» به نویسندگی و کارگردانی مریم شعبانی از سوم دی‌ماه ساعت ۱۸ در تالار اسوه حوزه هنری با بازی فاطمه مرادی، محدثه جوادی‌فام و فاطمه نوری‌شکری روی صحنه رفت. شعبانی که این نمایش را سال گذشته در تالار اسوه حوزه هنری، پردیس تئاتر تهران و ایوان شمس اجرا کرده، توضیح داد: نمایش فاطمه، هفت فراز از زندگی حضرت زهر (س) از زمان و علت خلقت این بانو در هستی

تأملی در اشعار فاطمی از احمد عزیزی و یوسفعلی میرشکاک تا علیرضا قزوه

# شاعران آب و آفتاب



ارش شفاعی از گروه فرهنگ و هنر

مهربانی‌ها می‌داند. به نظر می‌رسد اصرار احمد عزیزی

بر طولانی‌کردن شعر که معمولاً گریبانگیر اغلب شعرهای

او بود، این بار هم به این شعر او آسیب زده و

باعث شده است که بخشی از

ظرفیت حسی و تصویری که

شعر در ابتدا به وجود آورده

بود، با طولانی‌شدن شعر از دست برود:

گریه‌آری گریه چون ابر چمن

بر کبود یاس و سرخ نسترن

گریه کن حیدر که مقصد مشکل

است

این جدایی از محمد مشکل است

گریه کن زیرا که دخت آفتاب

بی‌خبر باید بخواهد در تراب

این دل یاس است و روح یاسمین

این امانت را امین باش ای زمین

نیمه‌شب دزدانه باید در مفاک

### ای آسمان، کبودی بازوی یاس چیست؟

اما شعرهای موفق، همیشه توسط

شاعران موفق دیگر ادامه پیدا می‌کند.

شاعران بر تصویرها و کشف‌های شاعران

پیش از خود، چیزی اضافه می‌کنند و

با استفاده از ظرفیتی که شاعران گذشته

ایجاد کرده‌اند، کشف‌های تازه در شعر

آورد‌اند. نمونه این سخن، شعری از یوسفعلی

میرشکاک است. پایه شعر، همان تصویری است

که احمد عزیزی در شعرش آورده بود: یاس کبود.

اما میرشکاک در این حد باقی نمی‌ماند بلکه برای

او سوالی مطرح است که: ای آسمان، کبودی

بازوی یاس چیست؟

به همین دلیل قلم به دست می‌گیرد و

می‌نویسد و می‌پرسد:

ای آسمان کبودی بازوی یاس چیست؟

در کوجه‌های شب، وزش بوی یاس چیست؟

اکنون که یائسه‌ست شب و روز و ماه و سال

آن ماجرا، شکستن پهلوی یاس چیست؟

و بعد خود چنین پاسخ می‌دهد:

ای عاشق! از کبودی بازوی او میرس

از لحظه شکستن پهلوی او میرس

تا جودان پیام بهار است بوی یاس

رنگ به خون تپیدن بار است بوی یاس

هر جاکه باد زمزمه‌ای ساز می‌کند

یا باد داغ او سخن آغاز می‌کند

هر جاکه رعد ناله بسیاری می‌کند

شیر خداست، یاد غم یار می‌کند

بعد از این است که شاعر برای آشنایی‌زدایی در شعر

و سپس حضور حضرت خدیجه(س) در دوران زندگی ایشان و اثرگذاری‌شان به‌عنوان مادر است. پرده سوم به ازدواج و همراه شدن حضرت زهرا(س) با حضرت علی(ع) می‌پردازد و تصمیم آن دو در راستای یکی شدن‌شان در مسیر حضرت محمد(ص) را روایت می‌کند. او در ادامه افزود: پرده چهارم نمایش روایتی است از جنگ احد و لشکرکشی اهریمن. حضور زن‌ها و نقش آنها در غرزه‌های پیامبر(ص) موضوع پرده پنجم

است و خانه حضرت فاطمه(س) و نقش اقتصادی و اجتماعی ایشان و حضور در مسجد در پرده ششم روایت می‌شود. پرده هفتم نیز به جاودانگی حضرت زهرا(س) در محشر می‌پردازد. شعبانی با بیان این‌که مخاطبان نمایش بانوان هستند، گفت: در اسلام به استقلال روحی و اجتماعی زن تأکید شده است و در این نمایش سعی مان بر این بوده فضا از لحاظ نور، رنگ و حجم صدا متناسب با روحیات و نگاه زنانه باشد.



در فرم آشنای قالب شعر دست می‌برد و دیگر شعر به صورت یک مثنوی ادامه پیدا نمی‌کند. شاید دلیل شاعر برای این کار این است که احساس می‌کرده است اگر مانند شعر احمد عزیزی در تمام شعر، به یک قالب وفادار بماند، در پایان شعر (مانند شعر احمد عزیزی) مخاطب خسته شده و شعر برایش تکراری می‌شود به همین دلیل با تغییراتی کوچک در قالب به مثابه سیلی نرخی به صورت مخاطب، سعی کرده است جلوی خواب‌آلودگی او را بگیرد:

خاموش باش، مرده که دم می‌برد فرو

آرام و رام، آینه‌ها گرم گفت‌وگو

نیرنگ روز و شب؟ خبری نیست، مام توست

از کوجه‌های زخم، روان، گرم جست‌وجو

هر جاکه رعد ناله شبگیر می‌کند

شیر خداست ناله ز تقدیر می‌کند

بگذر از این خرابیه، خراباتیان کی‌اند؟

نک مسجدی... بیرس مناجاتیان کی‌اند؟

دل دیر چیست؟ دیر امیر مغان علی

بیر مغان؟ و شیر زیان علی

و باز اینجا شاهد هستیم که قالب به غزلی دو بیتی تبدیل می‌شود و بعد شاعر با استفاده از مصرع غزل، بیتی هم‌قافیه با آن می‌سراید و باز شاعر به همان غزل برمی‌گردد. این رفت و آمدها در قالب، اندکی مخاطب را گیج می‌کند اما این گیجی با محوریت مضمونی شعر هم‌راستاست:

ای مانده در تلاطم گفتار، گریه کن

تا روز مرگ اندک و بسیار گریه کن

روزی که خاک تیره به خورشید چیره شد...

شد؟ گفته‌اند... از غم دلدار گریه کن

بیهوده گریه نیست به پرواز سوخته؟

در فرصتی که... ای در و دیوار گریه کن

چشم سپهر پیر از اندوه تیره شد

پرواز ناگهانی و آواز سوخته

### کوبی جهان همیشه همان خانه‌کلی‌ست

شاعر در اینجا به بیان پاسخ خود برای پرسش اصلی شعر می‌پردازد و دلیل به‌شهادت‌رساندن حضرت زهرا را در آن می‌داند که آن حضرت مادر همه شهدا و اصل و اساس همه خوبی‌ها در جهان است و هنوز هم هرکجا شهیدی برخاک می‌افتد، فرزند همان مادر است که مادر همه شهدای تاریخ است؛ اندیشه چند درد کم و کیف بیان درد اینک زمین ماتم و تک آسمان درد ای اندرون چومزله، از گند پاک شو آنک صدای مام تو! برخیز و خاک شو هر جاگلی به فیض شهادت رسیده است پیوستن به فاطمه را خواب دیده است و باز شاعر به پاسخ نخست خود بازمی‌گردد و این بار می‌گوید:

ای عاشق از کبودی بازوی او میرس

وز لحظه شکستن پهلوی او میرس

آن آفتاب کرد و جهان رو گرفته است

درهم شکسته «کشتی پهلوگرفته» است

ای بی‌کرانه مادر خورشیدوار من

ای از تو پُر تمام تن داغدار من

و بعد شاعر، مستقیم به حضرت زهرا(س) خطاب می‌کند و شعر، وجه مدحیه به خود می‌گیرد

سز خدا و سز رسول خدا تویی

آیینته دار سلسله هل اتی تویی

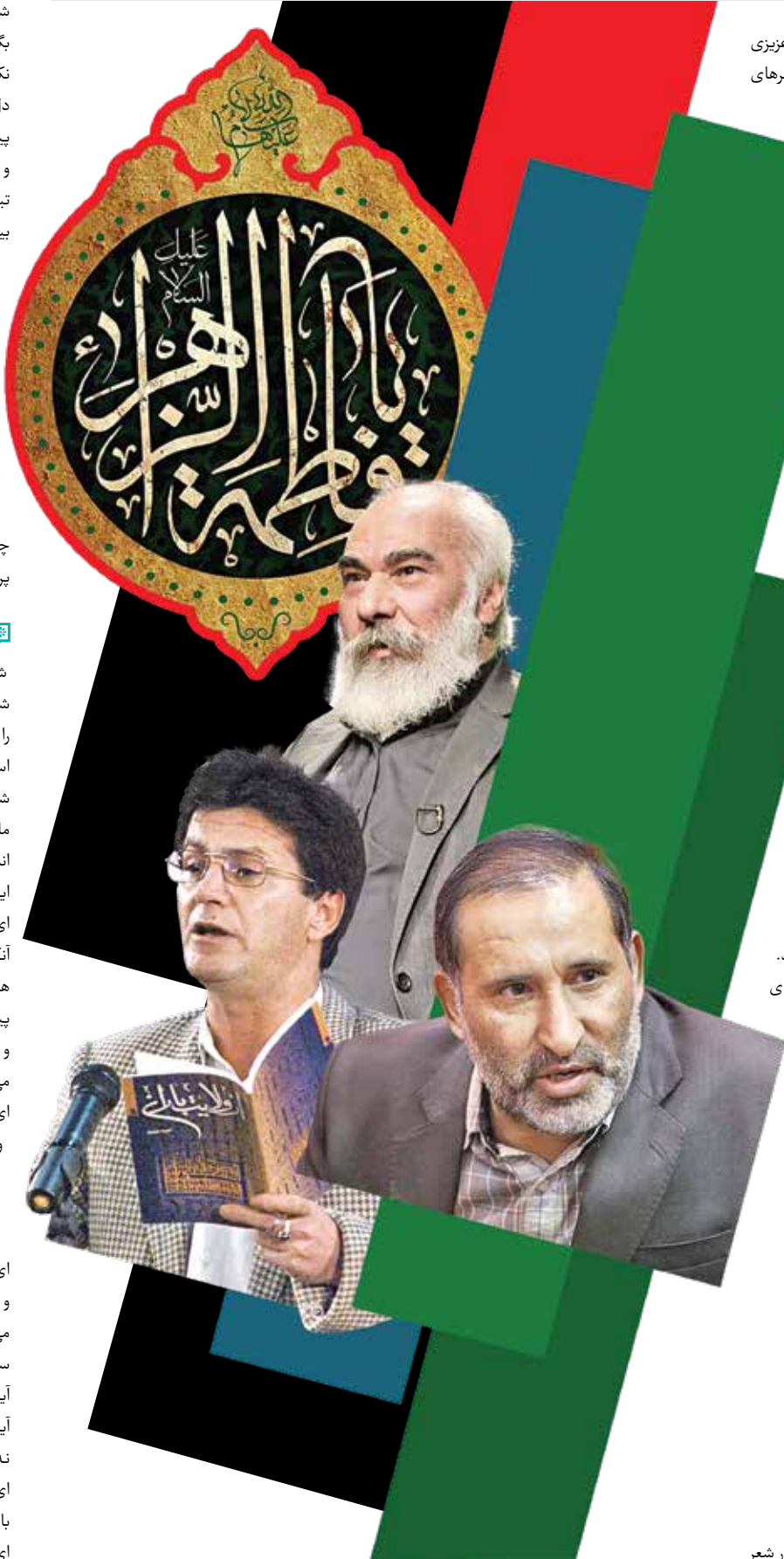
آیینته دارم پیامبر تو بوده‌ای

نه سال در برابر حیدر تو بوده‌ای

ای مادر پیامبر! ای دختر نبی!

با من بگو چه دیدی از آن مردم غبی؟

ای برگشیده دو نشان از دوی نشان



## محفل شعر فاطمی «آستان مهر»

محفل شعر فاطمی «آستان مهر» فردا یکشنبه ۴ دی در حوزه برگزار می‌شود.

سلسله محافل شعر آئینی آستان مهر در مناسبت‌های مذهبی با حضور شاعران و ستایشگران اهل بیت به مناسبت ایام سوگواری حضرت فاطمه (س) و در سالن مهر حوزه هنری

برگزار خواهد شد. محفل شعر «آستان مهر» مدت‌هاست با حضور شاعران کشور در حوزه هنری برگزار شده و در مناسبت‌های مختلف مذهبی اجرا می‌شود.

برنامه جدید این محفل شعر امروز یکشنبه ۴ دی از ساعت ۱۵ تا ۱۷ و ۳۰ دقیقه در سالن مهر حوزه هنری برگزار می‌شود که با شعرخوانی علی انسانی، یوسفعلی میرشکاک، احمد علوی، احمد بابایی، مهدی زارعی، هادی جان فدا، محمد مهدی قاسم صرافان، محمدحسین ملکیان، مجید تال، سید احمد حسینی شهریار، حسن اسحاقی، علیرضا نورعلیپور، سید مهدی طباطبایی، نفیسه سادات موسوی، الهام صفالو، فاطمه بیرامی و مرثیه خوانی محسن عرب خالقی و ابودر جعفری از پاکستان همراه است. شرکت در این محفل برای عموم علاقه‌مندان به شعر آئینی آزاد است.



### صحنه



## بررسی «فدک» در نمایش «هتل ریتاج»

نمایش «هتل ریتاج» کار حمید حرا که این روزها در تئاترشهر روی صحنه است، به بررسی ماجرای فدک از نگاه معاصر می‌پردازد. حمید حرا درباره این اثر توضیح داد: در هتل ریتاج تلاش شده فضایی معاصر و وضعیت این روزهای جهان را با

فلش‌بک‌هایی که به دل تاریخ می‌زنیم بررسی کنیم. در این نمایش به «ماجرای فدک» از زاویه‌ای دیگر پرداختیم و در واقع این موضوع را کالبدشکافی کردیم و حقایق ماجرا را مورد توجه قرار دادیم. نمایش هتل ریتاج به نویسندگی و کارگردانی حمید حرا با بازی اشکان اردستانی، سیروس اسنقی، مرتضی اصغری، مسعود اصغری، محسن افشار، مهدی بیابانی، مهدی جواهرپور، پیمان خراسانی، سیدعلی زاهدی، سیدامیرحسین سکاکی، علیرضا شمائی، رضا طهماسبی، علیرضا عمرانی، امیرحسین نیک‌پنجه، محمدامین نیک‌پنجه و سیدمحمدمهدی هاشمی‌دانا هر روزه در ساعت ۱۹ در سالن اصلی مجموعه تئاترشهر روی صحنه می‌رود.

## فرهنگ

CULTURE

یکشنبه ۴ دی ۱۴۰۱ ■ شماره ۶۳۹۰

### برش

### شناسنامه تو «صبح» است

درنگی در یک غزل مشهور علیرضا قزوه



همیشه گفته‌اند سرودن غزل بدون ردیف، کار سختی است. معمولاً کمتر غزلی که ردیف نداشته‌باشد، موفق از کار در می‌آید و در خاطر می‌ماند. علیرضا قزوه اما در غزل مشهوری که برای حضرت زهرا(س) سروده‌است، توانسته بدون استفاده از ردیف، به خوبی از عهده کار برآید. شاعر با استفاده از ظرفیت وزن‌های دوری و بهره‌مندی از وزنی که چندان رایج نیست، از ظرفیت موسیقایی شعر به خوبی استفاده کرده‌است. شعر این‌گونه شروع می‌شود:

نه مثل ساره‌ای و مریم! نه مثل آسیه و حوّا

فقط شبیه خودت هستی! فقط شبیه خودت زهرا!

معمولاً در شعرهای بدون ردیف، مشکل اصلی کمبود موسیقی در شعر است. شاعر سعی کرده‌است با ایجاد طباق‌ها و تضادهای پیایی، موسیقی را در این تناسب‌ها ایجاد کند. به عبارت دیگر، ما با ارتباط میان باره‌های شعر با یکدیگر رویه رو هستیم و نیم مصرع‌هایی که هرکدام وزن کاملی دارند، در کنار هم و حتی به صورت موازی، همدیگر را کامل می‌کنند. در همان بیت اول ببینید: «نه مثل ساره‌ای و مریم» به موازات «فقط شبیه خودت هستی» و «نه مثل آسیه و حوا» به موازات «فقط شبیه خودت زهرا» در کنار هم می‌نشینند و همدیگر را کامل می‌کنند.

در بیت بعد:

اگر شبیه کسی باشی، شبیه نیمه‌شب قدری

شبیه‌ای تظهیری! شبیه سوره اعطینا!

شاعر سعی کرده‌است از تناسبات معنوی استفاده کند. مجموعه واژگانی قرآنی قدر، آیه، سوره، آیه تطهیر و سوره اعطینا در کنار هم توانسته‌است به ایجاد شبکه‌ای از واژگان بینجامد که در کنار هم نشستن آنها خلأ موسیقی کناری (ردیف) را پر کرده است.

باز در بیت بعدی، با مجموعه‌ای از واژگان مرتبط با پدیده‌های طبیعی مانند صبح، نور، باران و دریا روبه‌رو هستیم:

شناسنامه تو صبح است، پدر تبسم و مادر نور

سلام ما به توای باران، سلام ما به توای دریا!

در بیت بعدی:

کبود شعله‌ور آبی! سپیده طلعت مهتابی!

به خون نشستن تو امروز، به گل نشستن تو فردا!...

شاهد هستیم شاعر از توانایی‌های زبانی خود بهره برده‌است. ایجاد تناسب‌ها اینجا با استفاده از مدار خانوادگی و معنایی کلمات نیست، بلکه با استفاده از ظرفیت‌های لفظی است. آبی، مهتابی یا به خون نشستن و به گل نشستن در دو مصرع باعث ایجاد این ظرفیت در شعر شده‌اند ضمن این‌که شاعر همچنان از تضادهای معنایی هم استفاده کرده‌است! امروز در برابر فردا! و در بیت پایانی شاعر، سعی کرده‌است، حرف اصلی خود را بیان کند. وضو گرفتن از چشمه سار فدک ( به عنوان نمادی از اعتراض و قیام انقلابی حضرت زهرا در برابر ستم و زور، و نماز عشق خواندن به سمت قبله عاشورا ( نماد شهادت در راه آرمان‌های الهی و معنوی) حرف اصلی شاعر در این بیت و در کل شعر است؛ بگیراب و وضویی کن، ز چشمه سار فدک امشب نماز عشق بخوان فردا، به سمت قبله عاشورا اما به یاد داشته‌باشید که در همین بیت هم شاعر از ظرفیت لفظی کلمات ( هماهنگی یا هم‌قافیه بودن) غفلت نکرده و دوواژه فردا و عاشورا در مصرع دوم به غنای موسیقایی شعر کمک کرده‌است.

### قاب

